گزارش خبری

وعده ارائه خدمات به برگزیدگان روز ملی صنعت و معدن

● **شرق:** محمدرضا فیاض مشاور وزیر صمت به برگزیدگان مراسم روز ملی صنعت و معدن وعده داد که از خدمات دولتی بهره‌مند خواهند شد اما درباره جزئیات این خدمات، توضیحات کاملی ارائه نکرد. محمدرضا فیاض معاون وزیر صمت در نشست خبری بزرگداشت روز صنعت و معدن در سخنانی از ارائه خدمات به برگزیدگان مراسم روز صنعت و معدن خبر داد. به گفته او با تاکید وزیر صنعت، برگزیدگان از برخی خدمات بهره‌مند خواهند شد. رئیس ستاد بزرگداشت روز ملی صنعت و معدن در پاسخ به سؤال «شرق» درباره جزئیات نحوه ارائه این خدمات و چگونگی انتخاب برگزیدگان عنوان کرد: معاونت‌های تخصصی وزارت صمت نسبت به انتخاب افراد برگزیده که تلاش چشمگیر ملی کرده و ویژگی‌های خاصی دارند، وارد عمل شده و برخی خدمات اداری و پشتیبانی را احصا می‌کنند که به این افراد ارائه شود. در کشور استعدادهای مختلفی وجود دارند که عرصه‌ای برای بروز و ظهور آنها نیست بنابراین از تشکل‌ها درخواست کردیم تا استعدادهای گمنام را شناسایی کنند.او افزود: ۱۰ تیر ماه یعنی روز ملی صنعت و معدن، در این خصوص توضیحات ارائه خواهد شد.به گفته فیاض در روز ملی صنعت و معدن از پیشکسوتان این عرصه تجلیل خواهد شد و با همکاری دولت و بخش خصوصی، قرار بر این است که افراد شاخص، کارآفرینان و پیشکسوتان مورد تجلیل قرار گرفته و بیانیه‌ای نیز صادر خواهد شد که خط‌مشی بخش صنعت را تبیین خواهد کرد.او عنوان کرد: در مراسم روز ملی صنعت و معدن ۵۵ نفر در ۱۵ گروه منتخب بخش‌های مختلف معرفی خواهند شد. از روز ۱۱ تیر نیز کار را در استان‌ها پیش خواهیم برد و مراسم روز صنعت را برگزار خواهیم کرد.فیاض درباره حذف ارز دولتی از چرخه اقتصاد ایران در شرایطی که تولیدکنندگان برای تأمین مواد اولیه خود دسترسی به دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی و حتی با نرخ نیمایی ندارند، بیان کرد: در موضوع ارز سه نظریه متفاوت مطرح است. برخی معتقدند که دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی باقی بماند. گروهی بر توقف عرضه دلار دولتی تأکید دارند و گروه سوم بر این باورند که اگر قرار است این ارزهای ارزان توزیع شوند، روند توزیع آنها تا چه زمانی ادامه داشته باشد.او اضافه کرد: موضوع قیمت ارز چیزی نیست که در یک برهه خاص بتوان در مورد آن تصمیم‌گیری و در یک لحظه آن را عملیاتی کرد بلکه با توجه به شرایط باید تصمیم گرفت و بهترین روش را انتخاب کرد.به گفته فیاض حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی زمانی مؤثر است که شرایط ایران به لحاظ بین‌المللی و منطقه‌ای مساعد باشد و جامعه نیز اجازه دهد که این تصمیم به بهترین شکل انجام شود. وضعیت کشور در توزیع مواد اولیه نیز مساعد باشد. برای هرگونه تصمیمی در مورد سیاست ارزی باید تمام جوانب در تهیه، توزیع و تولید و عرضه کالاها در نظر گرفته شود و هماهنگی نهایی با جامعه به عمل آید.مشاور وزیر صنعت مقابله با تعطیل یا نیمه‌تعطیل شدن واحدهای صنعتی، احیای ظرفیت‌های ازدست‌رفته واحدهای تولیدی و دسترسی به حداکثر ظرفیت تولید همچنین رفع نقصان‌ها و کمبودهای واحدهای تولیدی به دلیل مسائل مدیریتی، کمبود امکانات یا مواد اولیه را سه سیاست اصلی وزارت صمت برای بخش صنعت کشور اعلام کرد.

درمحاصره اقتصادی هستیم

در ادامه این نشست خبری محمدرضا مرتضوی دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران گفت: صنعت کشور در یک سطح باورنکردنی از استقامت دارد نیازهای کشور را برطرف می‌کند. دو سال است که در تحریم نیستیم، بلکه در محاصره کامل اقتصادی هستیم.او افزود: تحریم‌ها منجر به بهبود ضریب تکرار سرمایه در بخش تولید شده و فرار مالیاتی بسیار سخت شده و این نوید مثبتی برای اقتصاد شفاف است.مرتضوی بر این باور است که تحمل سختی‌ها از سوی کارگران و مردم منجر به این شده است که تولیدکنندگان موفق شوند سر پا باقی بمانند.به اعتقاد او شرکت‌های ایرانی، پویا و فعال هستند و صنعت غذا به عنوان یکی از صنایع بسیار مهم برای تأمین نیازهای مردم، محکم قدم برمی‌دارد؛ البته مردم به بخش صنعت داخلی نیز اعتماد دارند و با همکاری توانسته‌اند پاسخ استقامت تولیدکنندگان را بدهند.دبیرکل خانه صنعت و معدن با اشاره به اینکه به دلیل قرارنداشتن در شرایط عادی، این بخش نمی‌تواند برنامه‌های درازمدت ارائه کند، از تعامل و گفت‌وگوی نزدیک و بی‌پرده با مسئولان کشور برای مدیریت شرایط کشور خبر داد.از نگاه او تحریم‌ها اتفاقات مثبتی هم برای صنعت ایران رقم زده است که از آن جمله می‌توان به عملکرد بهتر برخی شرکت‌های تولیدی نسبت به گذشته اشاره کرد. البته او گفت: تحریم‌ها سبب شده است که واحدهای تولیدی مشکل تخصیص و تأمین ارز داشته باشند. مرتضوی ادامه داد: اتفاق مثبتی که در تولید کشور رخ داده، آن است که بسیاری از تولیدکنندگانی که مشکل تأمین نقدینگی به دلیل فروش‌های نسیه داشتند، اکنون وضعیت بهتری را تجربه می‌کنند چراکه نرخ تکرار ضریب سرمایه آنها بهبود یافته است.مرتضوی بیان کرد: هم‌اکنون در اقتصاد ایران فرار مالیاتی بسیار سخت شده و این جای خوشحالی دارد و ما می‌توانیم به سمت توسعه پایدار حرکت کنیم پس از مسئولان کشور می‌خواهیم فرارهای مالیاتی را سخت و سخت‌تر کنند تا بتوان در یک فضای سالم اقتصادی، رقابت بهتری را تجربه کرد.

معاون اسبق وزیر راه‌وشهرسازی در گفت‌وگو با «شرق»، در بررسی گسترش حاشیه‌نشینی پس از افزایش قیمت‌ها مطرح می‌کند

هجوم به هلال فقر تهران

مهم‌ترین استان‌هایی که با پدیده حاشیه‌نشینی در کشور مواجه‌اند به ترتیب، تهران، البرز، تبریز، مشهد و اهواز هستند

عکس: امیر جدیدی

شکوفه حبیب‌زاده: افزایش اجاره‌بها و قیمت مسکن و زمین در کل کشور در یک‌سال اخیر، ارتباطی مستقیم با گسترش حاشیه‌نشینی دارد. کارشناسان معتقدند که افزایش حاشیه‌نشینی در ایران به‌دلیل تعادل‌نداشتن و قطبی‌شدن مناطق ایجاد شده است؛ امری که محمدسعید ایزدی، معاون اسبق وزیر راه‌وشهرسازی و مدیرعامل سابق شرکت عمران و بهسازی شهری، بر آن تأکید می‌کند. ایزدی که اکنون در قامت کارشناس قرارگرفته است و بی‌محابا سخن می‌گوید، معتقد است که در دوره کنونی در وزارت راه‌وشهرسازی، برخلاف رویه‌ها و مصوبات شورای شهرسازی عمل می‌شود. به گفته او، یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید در مدیریت بخش‌های حاشیه‌نشین در نظر گرفته شود، آن است که دولت نباید به‌صورت مستقیم وارد تملک اراضی و اخراج ساکنان از محلات شود، اما بی‌توجه به تجربه ناموفق در سال ۷۳، باز هم ۱۱۰ شهر در نظر گرفته شده است تا خانه‌سازی از سوی دولت در آنها انجام گیرد. او این اقدام را موجب ازدست‌دادن سرمایه‌ها می‌داند و معتقد است به این طریق آسیب‌هایی که به شهرها می‌زنیم غیرقابل جبران است. ایزدی به گسترش هلال فقر در تهران اشاره می‌کند و می‌گوید درحال‌حاضر بالغ بر چهار میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در این مناطق زندگی می‌کنند. به گفته او، مهم‌ترین استان‌هایی که با پدیده حاشیه‌نشینی در کشور مواجه‌اند به ترتیب، تهران، البرز، تبریز، مشهد و اهواز هستند؛ درعین‌حال، نقاطی بحرانی مثل شهر چابهار نیز وجود دارد که درحال‌حاضر، ۶۴ درصد جمعیت در آن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند.این کارشناس مسکن و اقتصاد شهری در گفت‌وگوی خود با «شرق» به شبکه‌های خوابگاهی در مجموعه شهری تهران هم اشاره می‌کند که مورد استقبال بیشتری برای سکونت قرار می‌گیرند؛ آن هم درست برخلاف شهرهای جدیدی مثل هشتگرد که به امکانات کمتری دسترسی دارند، به همین دلیل نیز بیشترین سکونت به‌شکل غیررسمی در بهارستان و رباط‌کریم ایجاد شده است. ایزدی با رد مواجهه بولدوزری با مناطق حاشیه‌نشین تأکید می‌کند که این اقدام موجب گسترش آسیب‌های اجتماعی این منطقه به منطقه‌ای وسیع‌تر می‌شود. با این حال اذعان می‌کند که حدود ۷۰ هزار خانوار (با میانگین چهار نفر در هر خانواده) در کل کشور شناسایی شده‌اند که الزاما باید جابه‌جا شوند، زیرا در مناطق بسیار پرخطری مثل زیر دکل فشار قوی برق یا حاشیه رودخانه‌ها قرار دارند و وظیفه دولت در این مناطق، اسکان مجدد ساکنان محله است.

با رشد قیمت مسکن از یک سو و افزایش نرخ اجاره، آیا با افزایش حاشیه‌نشینی روبه‌رو بوده‌ایم؟

در اینجا باید به این نکته توجه کرد که تمام این اتفاقات و گسترش حاشیه‌نشینی در وهله اول ناشی از عدم تعادل است؛ یعنی عدم تعادل بین مناطق مختلف شهری و قطبی‌شدن شهر. وقتی افزایش قیمت در بحث اجاره و قیمت زمین را در مناطق بالای شهر شاهد هستیم، می‌بینیم مردم بنا بر میزان استطاعتشان مجبور هستند به همین ترتیب به نقاطی مراجعه کنند که امکان زیستن در خانه را برایشان فراهم کند. شهرستان بهارستان درست در بخش جنوبی شهر تهران مشتمل بر شهرهای نسیم‌شهر و دو شهر دیگر با جمعیتی بالغ بر ۷۰۰ هزار نفر شهر خوابگاهی تهران محسوب می‌شود. این مناطق به‌دلیل حضور در مجموعه شهری تهران، در هلال فقر تهران قرار می‌گیرند. در حال حاضر مجموعه‌ای از شهرها در اطراف شهریار وجود دارند که به جنوب تهران کشیده شده و به سمت جنوب غرب تهران متمایل می‌شوند و اکنون تحت تصرف گروه‌های کم‌درآمد و مهاجران در جست‌وجوی کار در شهر تهران قرار دارند. این مناطق، مجموعه‌ای خوابگاهی با پایین‌ترین و نازل‌ترین کیفیت زندگی و امکانات در تهران است. درحال‌حاضر رباط‌کریم و مجموعه بهارستان و تا حدود شهر ری را در مطالعات مفصلی شناسایی کرده‌ایم که این سکونت‌گاه‌های غیررسمی در آنجا شکل گرفته‌اند و بالغ بر چهارمیلیون‌و ۸۰۰ هزار نفر در این مناطق زندگی می‌کنند که ما اسم آنها را اسکان غیررسمی می‌گذاریم. شاید خیلی‌هایشان به شکل رسمی در دو دهه تبدیل به شهر یا محدوده‌های شهری شده باشند، اما اساس آنها بر روند قطبی‌شدن شهر و اجبار برای کوچ به منطقه جنوبی و جنوب غربی تهران به حساب می‌آید. این امر فشارهایی از جمله ترافیک‌های وحشتناک در مبادی ورودی به شهر تهران وارد می‌کند. این روند متأسفانه رو به افزایش است و مشکلات عجیبی را برای شهر به همراه دارد و اگر به داد این روند نرسیم، تصاعدی خواهد بود. با توجه به گسترش این روند، کارشناسان در شهرداری تهران بنا را بر این گذاشته‌اند که محلات را براساس دهک‌های مختلف تقسیم کنند. در معنای دیگر می‌خواهند محلات را براساس میزان استطاعت شهروندان به دهک‌های یک تا ۱۰ تقسیم کنند و متناسب با این دهک‌ها، میزان عوارض و دریافتی‌ها را از صدور پروانه و سایر هزینه‌های شهرداری تعیین کنند.

این طرح در حد حرف است؟

خیر. هرچند هنوز اجرائی نشده، اما طرح جایگزین نظام جدید دریافت عوارض از شهروندان است که افزایش صعودی عجیبی را در قیمت‌ها در چند ماه گذشته در پی داشته است. به ادعای دوستان در شهرداری این موضوع می‌تواند تعادلی را ایجاد کند، البته نقد کارشناسی من این است که به‌دلیل پایین‌تربودن قیمت عوارض در مناطقی که دهک‌های پایین زندگی می‌کنند، باز هم شاهد هجوم بیشتری به این مناطق خواهیم بود و تعادل باز هم ایجاد نخواهد شد.

با این اقدام جذابیت را برای ورود به این مناطق فراهم نمی‌کنیم؟

بله. به‌همین‌دلیل باید تدبیر مشترکی بین شهرداری و دولت حداقل برای نزدیک‌شدن به وضعیت تعادل اندیشیده شود، وگرنه با این وضعیت مدام به حاشیه‌نشینان در جنوب شهر تهران اضافه می‌شود که باعث به‌هم‌ریختن نظامات محیط زیست و ترافیک خواهد شد.

با توجه به رشد حرکت مردم به سمت این مناطق، آیا امکانات مناطق کافی است؟

اصلا. سکونت در این مناطق با کمترین میزان خدمات و زیرساخت است. به‌ویژه بخش‌های تصرف‌شده در منطقه رباط‌کریم و بهارستان از کمترین امکانات زیستی برخوردار هستند.

گسترش حرکت به این مناطق، مختص تهران نیست. کدام شهرها در ایران، بیشتر درگیر این پدیده هستند؟

عمدتا این جریان مختص کلان‌شهرهاست. در مشهد، یک‌سوم جامعه شهری در حاشیه شهر هستند؛ یعنی یک‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار نفر؛ حال به این نکته توجه داشته باشید که کلا شهر مشهد سه میلیون نفر جمعیت دارد. در اصفهان و شیراز نیز همین‌طور است. در تبریز وضعیت هولناک‌تر است. کلان‌شهر کرج هم جای خود را دارد. در هفت، هشت کلان‌شهر وضعیت به همین وخامت است. البته تهران با سایر کلان‌شهرها متفاوت است، اما سایر کلان‌شهرها به ترتیب البرز، تبریز، مشهد و اهواز در وضعیت بدی هستند. در اهواز محله منبع آب وجود دارد که باید وضعیت و کیفیت زندگی را ببینید که چقدر وخیم است؛ سکونت‌گاه‌ها روی صخره‌هایی که هر آن امکان جابه‌جایی آنها وجود دارد، قرار گرفته‌اند. جدا از کلان‌شهرها شهرهای خاصی هم داریم که به این وضعیت بحرانی دچار هستند، مثل چابهار که به‌دلیل جذابیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های جدید در این مناطق از یک طرف و از طرف دیگر خشک‌سالی وحشتناکی که در استان رخ داده، با مهاجرت گسترده‌ای مواجه شده است. تصرف اراضی در حوزه روستای کُمب، به وجود آمده است. درحال‌حاضر ۶۴ درصد شهر چابهار حاشیه‌نشین هستند و در سکونت‌گاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند که وحشتناک است. در مناطق دیگر هم در استان‌های مرزی مثل کردستان به‌ویژه شهرهای سنندج، مریوان و بانه وضعیت خوبی به‌لحاظ سکونت حاشیه‌نشینی وجود ندارد. در مجموع، سه دسته شهر وجود دارد که از این مسئله به‌شدت رنج می‌برند و روند تصاعدی گسترش حاشیه‌نشینی را در آنها شاهد هستیم. تهران به‌عنوان یک گروه و دسته، دسته دوم کلان‌شهرهای با جمعیت بالای یک میلیون نفر و دسته سوم شهرهایی که شرایط خاصی دارند مثل چابهار، سنندج و سایر شهرها در حوزه استان‌های مرزی که مشکلات ویژه‌ای دارند.

در بررسی آماری، مهاجرت به استان تهران و شهر تهران چگونه است؟

شهر تهران، مجموعه شهری و استان تهران را در تقسیم‌بندی‌ها داریم. بیشترین جابه‌جایی جمعیت در مجموعه شهری است نه شهر تهران. مهاجرت شهر تهران معکوس است. درست است که در بعضی مناطق شهری تهران مثل اسلام‌آباد و بسیاری از حوزه‌های دیگر مثل ده ونک و حاشیه بزرگراه چمران ظهور پدیده حاشیه‌نشینی را داریم، اما اساسا قابل قیاس با مجموعه شهری نیست و طبق آمارها شهر تهران جریان جمعیتی‌اش معکوس است یعنی مهاجرفرست است.

ممکن است مثلا کسانی که در تهران زندگی می‌کنند توان این را که در شهرستان استان تهران باشند نداشته باشند و بخواهند در تهران به سکونت‌گاه‌های غیررسمی بروند؟

خیر. این ماجرا به خاطر هزینه‌هایی است که به آنها تحمیل می‌شود. هزینه حمل‌ونقل بسیار بالاست و البته آن هم روندی است که دوستان مطالعه کرده‌اند و نشان می‌دهد شبکه‌های خوابگاهی در مجموعه شهری تهران مورد استقبال بیشتری برای سکونت قرار می‌گیرند. به همین خاطر می‌گویم روند جابه‌جایی جمعیت در مجموعه شهری تهران پیچیده‌تر است تا استان و شهر تهران. به هر حال سکونت در نزدیکی محل کار در شهر تهران این جذابیت را به وجود آورده که مردم از این منطقه فاصله نگیرند. حتی شهرهای جدید مثل هشتگرد یا شهرهایی که در یکی، دو دهه اخیر ساخته شد خیلی مورد استقبال قرار نگرفته و هجوم به شکل غیررسمی به بهارستان و رباط‌کریم بیشتر از حضور مردم در شهرهای جدیدی است که توسط دولت برنامه‌ریزی و ساخته شده است.

شیوه زندگی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی را اغلب به‌صورت حاشیه‌نشینی زیر پل دیده‌ایم. آیا شاهد انواع دیگری از حاشیه‌نشینی هم هستیم؟

کیفیت زندگی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی قابل حتی قیاس با کشورهای پیرامونی نیست. از وضعیت وخیمی که مدتی در رسانه‌ها از گورخوابی نام می‌بردند بیشتر فاصله داریم و بیشتر حاشیه‌سازی بود. خیلی معتقد نیستم سکونت در ایران در وضعیت بسیار وخیمی است. در بندرعباس این مشکل را داریم. در چابهار کپرنشینی وحشتناکی داریم؛ همین‌طور در تبریز. در تهران نه اینکه وضعیت خوب باشد اما سکونت‌گاه‌های غیررسمی در وضعیت بحرانی نیستند. به جز عده‌ای قلیل که بدمسکن هستند، بعضی مناطق در حاشیه‌ها، آب و برق و همه امکانات زیرساخت را دارند، اما امنیت و ایمنی در آنها بسیار پایین است و نحوه تصرف زمین و ساختمان باعث شده در رده سکونتگاه‌های غیررسمی باشند. آنچه اکنون اتفاق افتاده، سکونت خارج از برنامه‌ریزی رسمی شهر تهران است. در طرح جامع مصوب این مناطق برای سکونت در نظر گرفته نشده است. ضمن اینکه بسیاری از این زمین‌ها مستعد کشاورزی و مرتع است، اما بسیاری از ثروت‌های اطراف شهر تهران به نحوی تصرف و نابود می‌شوند.

وقتی با گسترش این سکونتگاه‌ها در حدود اکبرآباد یا حاشیه اراک و مشهد روبه‌رو هستیم، همیشه با برخورد تند دستگاه‌های متولی مواجه می‌شدند و قلع‌وقمع‌هایی که خیلی وقت‌ها خبری از آنها درج نمی‌شد. تبعات این شیوه برخورد چقدر می‌تواند سبب آسیب بیشتر یا برعکس کنترل شود؟

تبعاتش گسترش این پدیده و افزایش دامنه حاشیه‌نشینی به مناطق وسیع‌تر است. در خاک‌سفید مواجهه بولدوزری با منطقه چه عوارضی داشت؟ نمی‌گویم مردم ساکن این مناطق به لحاظ اجتماعی دچار مشکل هستند، اما این منطقه مستعد بروز بزه‌های اجتماعی است. مواجهه بولدوزری فقط منجر به گسترش آسیب‌های اجتماعی در منطقه وسیع‌تر می‌شود. در تپه مرادآب کرج چه اتفاقی افتاد؟ کسانی که منزلشان تخریب شد در بخش شمالی آن تپه یک منطقه دیگر را تصرف کردند. در دنیا یا ایران فرقی نمی‌کند، شیوه‌های بولدوزری و از بالا به پایین جواب نداده بلکه باعث بروز مسائل بیشتر در مرزهای گسترده‌تر شده است. بنابراین این شیوه اساسا در دنیا مردود است و در ایران هم تجربه شده است. نمی‌دانم چطور از تجربیات گذشته‌مان درس نمی‌گیریم و در برخی موارد می‌بینیم هنوز با این شیوه با این قبیل سکونتگاه‌های غیررسمی برخورد می‌کنیم. البته در برنامه‌ریزی‌هایمان در وزارتخانه ۷۰ هزار خانوار (با میانگین چهار نفر در هر خانواده) را در کل کشور شناسایی کردیم که باید جابه‌جا شوند. این افراد در مناطق بسیار پرخطر هستند. یا زیر دکل‌های فشارقوی هستند یا در حاشیه رودخانه‌ها که برای زندگی بسیار بحرانی است. نام این بخش‌ها را اسکان مجدد می‌گذاریم. بحث تخریب نداریم، اما برای این افراد باید برنامه‌ریزی خاصی انجام شود. به جز این افراد که در موقعیت بحرانی زندگی می‌کنند، در سایر سکونتگاه‌ها جابه‌جایی و اخراج ساکنان ممنوع است که در سند ملی بازآفرینی در سال ۹۳ در دولت هم تصویب شده و رسما اعلام کرده‌ایم. هرکدام از مدیریت شهری یا دستگاه‌های دیگر که برخلاف این قانون عمل کنند برخلاف سند قانونی است که براساس تجربیات سال‌های دور ما و تجربیات دنیا تدوین شده و مورد تصویب هیئت وزیران قرار گرفته است.

آیا واقعا طبق این قانون عمل می‌شود؟ چقدر تناقض سیاست‌گذاری داریم؟

در پنج سال دولت اول و اوایل دولت دوازدهم، تلاشمان این بود که از تجربیات گذشته خودمان و دنیا درس بگیریم. به همین خاطر سیاست‌هایی که تصویب کردیم (سند ملی، مصوبه شورای عالی شهرسازی و بقیه برنامه‌ریزی‌ها) کاملا بر مبنای درس‌آموزی از تجربیات و پرهیز از تجربیات غلط گذشته بود، اما متأسفانه این روند گویا با جابه‌جایی‌ها در وزارت راه و شهرسازی به فراموشی سپرده می‌شود؛ با وجود اینکه مستندات قانونی برای این مصوبات داریم. اگر من به‌عنوان معاون وزارت راه و شهرسازی مسیری را دنبال کردم، طبق سلیقه شخصی من نبوده و تلاش کرده‌ام این شیوه‌ها و سیاست‌ها را قانونمند کنم؛ یعنی مصوبه شورای عالی شهرسازی به‌عنوان بالاترین مرجع سیاست‌گذاری شهری در کشور باید ملاک همه عزیزان باشد. مگر اینکه این مصوبه لغو شود. به هر صورت باید توسط رسانه‌ها این مصوبات به اطلاع مردم رسانده شده و به‌عنوان حق مطالبه شود.

چنین مصوباتی نادیده گرفته می‌شود یا شما عکسش را دیده‌اید؟

آنچه حداقل صحبتش می‌شود این است که در برخی موارد برخلاف این رویه عمل می‌شود. قبلا هم گفتم که اخراج ساکنان از مناطق مسکونی‌شان اشتباه بوده است. سال ۷۳ در دولت طرحی داشتیم و مطالعه‌ای را در ۴۰ شهر انجام دادیم تحت عنوان تعیین نقاط مناسب خانه‌سازی در ۴۰ شهر کشور. براساس این طرح، ۴۰ نقطه در ۴۰ شهر تهران به‌عنوان نقاط مسئله‌دار انتخاب و دولت به شکل مستقیم وارد تملک و اخراج ساکنان از این محلات شد. هنوز با مسائل این ۴۰ شهر و محله درگیر هستیم. پس تجربه ثابت کرده دولت نباید به شکل مستقیم درگیر تملک و ورود به عرصه سکونتی و خصوصی مالکان شود و این اقدامات باید به نهاد تخصصی، مردم و بخش خصوصی واگذار شود و در جایگاه حاکمیتی و حمایتی خودش باشد. در حال حاضر باز هم صحبت از این است که در ۱۱۰ شهر دیگر نقاط مناسب خانه‌سازی را پیدا کنیم و دولت خانه‌سازی کند! تعجب‌آور است که چطور ما به تجربیات قبلی و مصوباتمان نگاه نمی‌کنیم. تکرار تجربیات فقط باعث ازدست‌دادن سرمایه‌ها و ثروت‌ها می‌شود و آسیب‌هایی که به شهرها می‌زنیم قابل جبران نیست.

خبر

صادرکنندگان بدون‌سابقه ۴/۷ میلیارد دلار ارز را بازنگرداندند

● سرپرست سازمان توسعه تجارت با بیان اینکه صادرکنندگان خوب نگران برخورد قضائی نباشند، گفت: سال گذشته صادرکنندگان بی‌سابقه از ۵.۴ میلیارد دلار صادرات، ۴.۷ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات را به کشور بازنگرداندند.محمدرضا مودودی در گفت‌وگو با فارس در مورد معرفی ۱۵۰ صادرکننده متخلف به دستگاه قضا، گفت: قطعا با توجه به رویکرد بانک مرکزی در توجه به مقوله صادرات، صادرکنندگان خوب مشمول این برخوردها نمی‌شوند.سرپرست سازمان توسعه تجارت افزود: در سال گذشته شش هزارو ۴۴۷ صادرکننده (شرکت و شخص حقیقی) اقدام به ۵.۴ میلیارد دلار صادرات کردند که این صادرکنندگان پیش از این هیچ‌گونه سبقه صادراتی نداشته‌اند و ۴.۷ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات این افراد به کشور بازنگشته است.وی با بیان اینکه بانک مرکزی در صورتی که صادرکنندگان شناسنامه‌دار کشور ارز حاصل از صادرات خود را به کشور بازنگردانده باشند دلیل این مسئله را از آنها جویا می‌شود، گفت: بنابراین اگر آنها دلیل موجهی برای عدم بازگشت ارز خود ارائه دهند، بانک مرکزی به آنها فرصت می‌دهد و دلایل آنها از سوی بانک مرکزی پذیرفته می‌شود و به آنها فرصت برای بازگشت ارز داده می‌شود.

هزینه خانوارهای ایرانی ۵۰ درصد بیشتر شد

● هزینه خانوارهای ایرانی برای خرید مجموعه‌ای از کالاها و خدمات در خردادماه سال جاری ۵۰ درصد بیشتر شده است.به گزارش ایسنا، گزارش‌های رسمی مرکز آمار از این حکایت داشت که تورم بار دیگر افزایش یافته و به روند رو به رشد خود در ماه‌های گذشته ادامه داده است. آنچه که اتفاق افتاده در نهایت به این منتهی شده که تورم سالانه با رشد ۳.۴ درصدی نسبت به اردیبهشت‌ماه به ۳۷.۶ درصد در خردادماه رسیده است.این در حالی است که بررسی وضعیت هزینه‌ای خانوارهای ایرانی در خردادماه امسال نسبت به همین ماه در سال گذشته نشان داد که به طور میانگین ۵۰.۴ درصد هزینه‌های آنها افزایش یافته است. در بین کالاها و خدماتی که مردم در ماه گذشته مورد استفاده قرار داده‌اند، بالاترین سطح تورم نسبت به خردادماه سال گذشته مربوط به دخانیات با ۱۰۹ درصد بوده است.اما تورم در گروه خوراکی‌ها بیش از ۷۴ درصد گزارش شده که در این گروه «گوشت قرمز و سفید و فراورده‌های آن» با ۹۶.۴ و «گوشت قرمز و گوشت ماکیان» ۹۵ و «ماهی‌ها و صدف‌داران» با ۱۰۷ درصد بالاترین تورم را داشته‌اند.همچنین مسکن در مقایسه با خردادماه سال گذشته ۲۶ درصد، «شکر، مربا، عسل، شکلات و شیرینی» با ۸۵ درصد، «لوازم خانگی» با ۸۳ درصد و «تفریح و فرهنگ» ۷۵ درصد افزایش هزینه دارند. در بررسی تورم سالانه باید گفت که بالاترین سطح تورم به دخانیات با ۱۲۴ درصد اختصاص دارد و گوشت قرمز و گوشت سفید با بیش از ۷۰ درصد در رده‌های بعدی قرار دارد.

ورود یورو به کانال ۱۴ هزارتومانی

● بازار ارز دیروز پس از آنکه رئیس کل بانک مرکزی ذخایر اسکناس ارزی کشور را مطلوب‌تر از گذشته توصیف کرد، ثبات قیمت را ادامه داد. به گزارش خبرنگار مهر، عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، شنبه شب در یک برنامه تلویزیونی ذخایر اسکناس کشور را بسیار مطلوب‌تر از گذشته عنوان کرد و گفت: افزایش ذخایر اسکناس کشور بی‌سابقه است؛ یورو یکشنبه، دوم تیر ۹۸ با یک کانال کاهش برای خرید ۱۴,۸۰۰ تومان و برای فروش ۱۴,۹۰۰ تومان قیمت خورده، درحالی‌که روز شنبه نرخ یورو در کانال ۱۵ هزارتومانی در صرافی‌های بانکی معامله می‌شد.

فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی و دو مرحله ای شماره ۹۸/۰۰۳/ات

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران (سهامی خاص)

اجاره یک فروند شناور بندگیر — مجوز شماره ۱۳۹۸/۱۷۸۸ — نوبت اول

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه فوق الذکر از بین شرکتهای ایرانی اقدام نماید :

الف :شرح مختصر خدمات : اجاره یک فروند شناور بندگیر

ب : محل اجرای خدمات : مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره در آبهای خلیج فارس

ج : مدت خدمات : دو سال

سایر موارد که می بایست مد نظر قرار گیرد :

۱- توانایی ارائه ضمانتنامه شرکت در مناقصه به مبلغ ۲/۸۱۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

۲- توانائی ارائه ضمانتنامه "انجام تعهدات" به میزان ۱۰٪ مبلغ کل قرارداد، طبق ضوابط کارفرما در صورت برنده شدن.

۳-به تقاضاهای مشروط ، مبهم ، ناقص و یا مغایر با شرایط مندرج در اسناد و مدارک و تقاضاهایی که بعد از مهلت مقرر دریافت گردد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴-شرکت نفت فلات قاره ایران در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادات در چارچوب قانون برگزاری مناقصات مختار خواهد بود.

۵- پیشنهادات مالی می بایستی حداقل سه ماه از زمان گشایش پاکات مالی مناقصه در کمیسیون مناقصات شرکت نفت فلات قاره ایران دارای اعتبار و قابل تمدید برای یک دوره دیگر باشند .

۶- کسب حداقل امتیاز تعیین شده در ارزیابی کیفی ، جهت دعوت در مناقصه فوق الذکرالزامی است .

از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت میشود تا حداکثر ظرف یک هفته پس از انتشار آگهی نوبت دوم ، با همراه داشتن معرفی نامه معتبر به آدرس ذیل مراجعه و حضورا نسبت به دریافت مدارک ارزیابی کیفی اقدام نمایند .

ضمنا بایستی ظرف مدت ۱۴ روز پس از آخرین مهلت دریافت مدارک ارزیابی کیفی اطلاعات مورد درخواست به آدرس ذیل تحویل گردد. محل و زمان تحویل و گشایش پیشنهادها در اسناد مناقصه قید میگردد.

نشانی محل اعلام آمادگی و تحویل اسناد ارزیابی کیفی : تهران ، خیابان ولی عصر ، نرسیده به تقاطع مدرس ، خیابان تورج ، خیابان خاکزاد ، شماره ۱۲، شرکت نفت فلات قاره ایران ، طبقه ۵ ، امور قراردادها ، تلفن: ۲۳۹۴۲۵۱۰-۰۲۱

تبصره : متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در روز آگهی نوبت دوم به سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOOC.CO.IR مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران